بسمه تعالی

**نقش تعالی بخش دین در اخلاق، صلح، عفو و دوستی**

**(ملی-بین مللی)**

**علیرضا صدرا**

sadra@ut.ac.ir

**هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**

**8/10/95**

**چکیده**

حس دنیا نردبان این جهان حس دینی نردبان آسمان

صحت این حس بجوید از طبیب صحت آن حس بجوید از حبیب

(مثنوی معنوی مولوی)

اخلاق، یا اخلاق صلح، عفو و دوستی(ملی-بین مللی): از جمله ارزش های بنیادین و غایی میباشند. از بنیاد هستی و فطرت انسانی تا غایت و کمال مدنی؛ اجتماعی و سیاسی نیازند. امثال اینها دارای مراتب سه گانه اند. یکی اصل ضرورت(حقیقت)و زیبایی حقیقی یا ارزش، که ذاتی و فطری(عقلی برهانی و قلبی شهودی)است. دیگری ماهیت یعنی چیستی یا حدود مبانی و بینش، که نقلی و سمعی و مکتبی میباشد. مظاهر عملی و عینی واقعی که دانش(ساینس)اند. همچنین پدیده های عملی بسان اینها حتی اخلاق و دین، متشابه بوده یعنی دارای مفاهیم و انواع(گونه های) دو یا سه گانه میباشند. یکی یقینی بوده، در غیر اینصورت؛ غیر یقینی یعنی ظنی ظاهری تکساحتی و به اصطلاح پنداری است. یا توهمی تنازعی یعنی کاذب و دروغین میباشند. بسان صلح(طلبی) حقیقی و یقینی واقعی، در قبال سازش(تسالم؛ تسلیم طلبی)و در مقابل و حتی مقابله با تنازع(جنگ افروزی)است. یا در دین؛ ایمان، که شرک و کفر غیر و ضد آن میباشد. یکی.صلح حقیقی و یقینی واقعی میباشد. دیگری.صلح ظنی ظاهری یا پنداری یعنی تسلیم و سازش که شبه صلح است. سوم.توهم صلح و صلح توهمی یا کاذب یعنی دروغین و ضد صلح میباشد. همچون شجاعت که اصل و ارزش است، جسارت یعنی بیباکی که شبه شجاعت بوده و جبن یا ترسویی که ضد آن میباشد. یکی مثبت و فضیلت یعنی ارزش است. دو مورد دیگر غیر و ضد فضیلتند. رذیلت بوده و غیر و ضد ارزشند. مطلق فلسفه و فلسفه حقیقی و راستین: شناخت برهانی(نگرش بسان صلح نگری) و قلبی شهودی(گرایش بسان صلح گرایی) مبادی حقیقت یعنی ضرورت و زیبایی یا ارزش اینها میباشد. تفلسف غیر آن بوده و سوفیسم ضد آنست. این چنین فلسفه ای توحیدی و متعالی میباشد. مطلق دین بلکه مطلق مکاتب: تبیین یعنی تعیین حدود مبانی(بینش)این ارزش هاست. دانش(ساینس): آگاهی و نمودشناسی(کنش و روش) آنها میباشد. فطرت عقلی و قلبی همگی انسانهای متعارف؛ اصل بایستگی و نیز شایستگی یعنی خوبی ذاتی اینها را در مییابد. به تعبیری ذاتا بدانها نگرش عقلی داشته و گرایش قلبی مییابد. دین راستین؛ جامع مراتب سه گانه است. مذکر(تذکر و توجه دهنده)مبادی و محکمات عقلی، مبین(تبین و تعیین کننده) حدود مبانی و تایید کننده مظاهر و سازکارهای عینی میباشد. نقش وحی: تبیین یعنی تعیین حدود یقینی این ارزش های حقیقی ذاتی و فطری است. بویژه با تمایز و جداسازی اینها از گونه های شبه انگیز ظنی و گونه های توهمی کاذب میباشد. دانش نیز عهده دار نمودشناسی آنها است. سیاست هم عهده دار تدبیر، ترویج عمومی و تحقق واقعی آنها میباشد. **فرضیه اصلی**: «**نقش دین؛ تعالی اخلاق، صلح، عفو و دوستی انسانی و مدنی؛ اجتماعی و سیاسی ملی و بین مللی**»است. توضیح فرضیه: با روشن بودن ضد اخلاق صلح، عفو و دوستی از یک طرف و با توجه به خطر شبه اخلاق صلح، عفو و دوستی به سبب شبه ناکی از طرف دیگر، کارویژه و کارکرد خطیر دین راستین: ضمن تذکر مبادی و محکمات ارزشهای بنیادین و غایی بسان صلح، به مصداق «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع»؛ تبیین حدود مبانی یقینی این ارزش های حقیقی متعادل و متعالی بوده و تنََّبُه و تحریض به تبعیت عملی و تحقق عینی آنهاست. در عین حال تأیید مظاهر و اشکال عینی همین هاست. مراد؛ دین، اخلاق، صلح، عفو و دوستی راستین میباشد. **روش: تحلیل متن** و **محتوایی** است.

**\*کلید واژگان: نقش، دین، تعالی، اخلاق، صلح، عفو، دوستی، یقینی**.